

Investigation of NATO-Turkey interaction in the Caucasus region (Nagorno-Karabakh crisis)

Ghasem Rezaie*

Khadijeh Sanaeianzadeh**

Abstract

Following the collapse of the Soviet Union and the withdrawal of the Caucasus from the archives of the world's strategic regions, fierce rivalries arose between regional and international actors for influence in the region. A strategy has been created between trans-regional actors such as the West and regions such as Turkey. The existence of common interests between Turkey and the West has paved the way for the interdependence of Turkey and the West. As the United States pursues its interests in the form of NATO, it decided to change its goals and approach in response to the changing international environment to play an active role in the international structure and to define a new strategic concept for itself. In this new approach, NATO seeks to manage crises and expand its influence to the east (Caucasus region). In this regard, by standing by Turkey and playing a role in the Nagorno-Karabakh crisis, it seeks to increase its influence in the Caucasus region and to support Turkey's position.

Keywords: Caucasus, Crisis, Nagorno-Karabakh, NATO, Turkey, Strategic Alliance.

* PhD in International Relations, Isfahan Azad University, Khorasgan Branch (Corresponding Author), gh.rezaee64@gmail.com

** PhD in International Relations, University of Esfahan, kh_sanaeiyan1989@yahoo.com

Date received: 11/10/2021, Date of acceptance: 24/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز (بحران قره باغ)

قاسم رضایی*

خدیدجه ثنائیانزاده**

چکیده

در پی فروپاشی شوروی و خارج شدن قفقاز از بایگانی مناطق استراتژیک جهان رقابت‌های شدیدی بین بازیگران منطقه‌ای و بین المللی برای نفوذ در منطقه شکل گرفت اما کنار این رقابت‌ها، روندهایی از تعامل نیز بین این بازیگران مشاهده می‌شود و فرصت مناسبی برای اتحاد استراتژیک بین بازیگران فرامنطقه‌ای چون غرب و منطقه‌ای چون ترکیه ایجاد شده است. وجود منافع مشترک بین ترکیه و غرب، زمینه وابستگی متقابل ترکیه و غرب را فراهم نموده است. از آنجا که آمریکا منافع خود را در قالب ناتو به منصفه ظهور می‌گذارد تصمیم گرفت در راستای پاسخ به تغییر محیط بین الملل برای ایفای نقش فعال در ساختار بین الملل اهداف و رویکرد خود را تغییر دهد و مفهوم جدید استراتژیک برای خود تعریف کند. در این رویکرد جدید ناتو به دنبال مدیریت بحران‌ها و گسترش نفوذ خود به شرق (منطقه قفقاز) می‌باشد. در این راستا با قرار گرفتن خود در کنار ترکیه و ایفای نقش در بحران قره باغ به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه قفقاز و در حمایت از موضع گیری ترکیه می‌باشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات و

* دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد خوراسگان، اصفهان (نویسنده مسئول)،
gh.rezaee64@gmail.com

** دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان،
kh_sanaeiyan1989@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ابزار موجود در کتابخانه، اینترنت به پاسخگویی به این سؤال پردازد که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز و مدیریت بحران قره باغ چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

کلیدواژه‌ها: قفقاز، بحران، قره باغ، ناتو، ترکیه، اتحاد استراتژیک.

۱. مقدمه

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، رقیب ایدئولوژیک غرب دیگر تهدیدی برای آن محسوب نمی‌شد. و از آنجا که آمریکا اهداف خود را در قالب ناتو به عرصه ظهور می‌گذاشت تصمیم گرفت در راستای پاسخ به این تغییر محیط بین الملل برای ایفای نقش فعال در ساختار بین الملل، اهداف و رویکرد جدیدی را برای خود تعریف کند. بر این اساس تحلیل گران سیاسی و نظامی غرب، تعریف و اتخاذ مفهوم جدید استراتژیک ناتو را رویکردی نوین یا فلسفه جدید وجودی ناتو پس از فروپاشی شوروی و از دست دادن یک دشمن شناخته شده بیان می‌کنند که در این استراتژی جدید امنیتی ناتو مفاهیمی چون همکاری، گفتگو، گسترش حوزه نفوذ به شرق، کنترل تسلیحات کشتار جمعی مورد بررسی قرار گرفته است (فلاحی، ۱۳۸۵: ۴۷۹-۴۷۸). سازمان ناتو به منظور به اجرا گذاشتن طرح توسعه حوزه امنیتی خود به دو شیوه روی آورد: الف) ایجاد نهاد جدید بین المللی موسوم به شورای همکاری اتلانتیک شمالی در سال ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که ارتباط منطقی را بین اعضای سابق ورشو و سازمان ناتو برقرار کند و در مارس ۱۹۹۱، تمامی جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی به عضویت این شورا در آمدند (امیری، ۱۳۸۳: ۲۷) ب) ارائه طرح مشارکتی برای صلح در منطقه. که در این میان طرح مشارکت برای صلح در منطقه قفقاز جنوبی مهمترین مکانیزم تقویت نفوذ ناتو به حساب می‌آید. در این خصوص سازمان به اعطای تجهیزات و کسب اطلاعات، هدایت ساختار ارتش های این جمهوری‌ها به سمت ارتش ناتو، ارائه کمک‌های آموزشی پرداخته است (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). ناتو از احیای مجدد اقتدر شوروی می‌ترسید و در پی پرکردن خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی در قفقاز و مدیریت بحران‌های کشورهای منطقه می‌باشد. همچنین تلاش می‌کند که رقبای خود (روسیه، ایران و...) را در رسیدن به منابع انرژی و اقتصادی منطقه ناکام بگذارد (کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۶۲). بر این اساس ناتو برای رسیدن به این هدف خود نیاز به یک متحد استراتژیک و شریک قابل اعتماد دارد. با توجه به شرایط و موقعیت کشوری

چون ترکیه که در نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام و مسیحیت، شرق و غرب و در نزدیکی سه منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی قرار دارد. از طرفی دیگر قرابت فرهنگی - نژادی ترکیه با کشورهای منطقه قفقاز را هم باید به امتیازات ترکیه اضافه کرد (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۰). می‌تواند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، توازن قدرت منطقه را به نفع غرب حفظ کند با پایان یافتن جنگ سرد بسیاری از هویت‌های قومی - محلی در منطقه قفقاز رشد کردند و باعث شکل‌گیری منازعات در این منطقه شدند در این میان بزرگ‌ترین منازعه بحران ناگورنو- قره باغ بود که هرچند با آتش بس میان آذربایجان و ارمنستان کنترل شد اما امکان منازعه میان این دو کشور همچنان وجود دارد و هر دو کشور خود را برای جنگ آماده نگه داشته‌اند. ایالت قره باغ در ۱۶ تیر ماه ۱۳۰۲ ه.ش به صورت امروزی شکل گرفت. طبق سرشماری سال ۱۹۸، ۷۶/۹ درصد جمعیت این ایالت ارمنی و ۲۱/۵ درصد آن مسلمانان آذری بودند و بقیه نیز از قومیت‌ها و ملیت‌های دیگر هستند. مساحت این سرزمین نیز ۴۴۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که حدود ۵/۱ درصد از مساحت جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) در آغاز سال ۱۹۸۸ این مناقشه بین آذربایجان و ارمنستان رخ داد که بیش از ۲۰ هزار نفر قربانی شدند و نزدیک یک میلیون نفر بی خانمان و یک و نیم میلیون نفر مهاجرت کردند که این سیل مهاجرت‌ها منجر به ایجاد شرایطی بحرانی در آذربایجان شد بیش از ۱۴ درصد منطقه آذربایجان در این خلال اشغال شد. بعدها ابعاد این مناقشه به یکی از طولانی‌ترین، خشونت‌آمیزترین و پیچیده‌ترین مناقشه‌های قومی و نژادی بعد از فضای کمونیستی تبدیل گردید (Axundo, 2008: 51).

ناگورنو منطقه‌ای کوهستانی و آرامه نشینی در غرب جمهوری آذربایجان و در نزدیکی مرزهای ارمنستان می‌باشد این منطقه توسط ارمنی‌ها محلی کنترل می‌شود و از زمان استقلال دو کشور آذربایجان و ارمنستان منبع اختلافات بین این دو کشور بوده است (تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۲).

ریشه این اختلافات به درگیری آرامه و آذری‌ها در سال ۱۹۰۵ بر می‌گردد زمانی که روسیه تزاری در راستای سیاست گسترش به جنوب و اهمیتی که منطقه قفقاز از هر نظر برایش داشت بر می‌گردد به شوروی که در پی استقرار ثبات مورد نظر خود در منطقه بود با استفاده از خلاء قدرت ناشی از شکست عثمانی، به سیاست اسکان آرامه مهاجر اقدام کرد. این مهاجرت‌ها با تمایلی که آرامه به ایجاد دولت - ملت فراگیر از قرن‌ها پیش تا کنون از

خود بروز می‌دادند میسر شد و در سالهای پایانی حکومت تزارها مخصوصاً در سال ۱۹۱۵ پس از مهاجرت صدها هزار ارمنی به صورت یک واقعت در آمد و درگیری بین آنان و آذری‌ها به تدریج نمودار شد (امیر احمدیان، ۱۳۷۸: ۳).

این دشمنی از ۱۹۸۹ که جمهوری آذربایجان اعلام استقلال نمود شعله ور تر شد و از اوایل سال ۱۹۹۲ جنگ قره باغ آغاز و یک منطقه بحرانی در جنوب منطقه قفقاز ایجاد شد و هنگامی که این بحران به اوج خود رسید زمینه ورود بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این بحران برای مدیریت آن مهیا شد چراکه شرایط ژئوپلتیک و ذخایر نفت آذربایجان انگیزه مناسبی برای ورود بازیگران به این بحران بین المللی گردید و اکنون روسیه در پی آن است که نفوذ سابق خود را در منطقه قفقاز جنوبی احیا کند. نقش ترکیه نیز به دنبال تحکیم و تثبیت نفوذ خود در کشورهای منطقه قفقاز جنوبی از عوامل تعیین کننده در ترتیبات بین المللی منطقه است که به شدت در رقابت با روسیه و سایر بازیگران منطقه قرار گرفته است و غرب در قالب ناتو به دنبال مقابله با دشمن دیرینه خود (روسیه) و کاهش نفوذ آن در منطقه بر مبنای استراتژی جدید امنیتی خود مفاهیمی چون همکاری، گفت‌وگو، گسترش حوزه نفوذ به شرق، کنترل تسلیحات کشتار جمعی، با هم جهت شدن با موضع ترکیه را برای پیش بردن هدفش در منطقه دنبال می‌کند (عباس اف، ۱۳۸۳: ۲۶). اهمیت پرداختن به این بحث به دلیل این است که منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی یکی از مهم ترین مناطقی بود که توجه کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است موقعیت ژئو کالچر، ژئو استراتژیک و ژئو پلتیک قفقاز باعث توجه زیاد کشورها به این منطقه شده است بنابراین شناخت بحران قره باغ و برآورد تأثیر گذاری کشورهای دیگر بر این بحران اهمیت بسیار زیادی دارد.

این درحالی است که وضعیت "نه جنگ و نه صلح" بین آذربایجان و ارمنستان همواره ترس عملیات نظامی به صورت غافلگیرانه منازعات را زنده نگه داشته است. بنابراین برای کشورهای هم مرز شناخت بحران مهم است.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات و ابزار موجود در کتابخانه، اینترنت به پاسخگویی به این سؤال پردازد که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز و مدیریت بحران قره باغ چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

۲. پیشینه تحقیق

- خیری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "روسیه و مناقشه قره باغ"، بیان می‌کند که در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک موجود میان روسیه و غرب، کرملین مناطق خارج نزدیک را در حوزه منافع استراتژیک و حیاتی خود تعریف نموده و از مناقشات سرزمینی حل نشده موجود در این مناطق نظیر بحران قره باغ به‌عنوان ابزاری برای تثبیت نفوذ خود در جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی بهره برده است. در این بین مناقشه قره باغ به‌عنوان جدی‌ترین مشکل امنیتی قفقاز جنوبی بیش از دو دهه است که تداوم داشته است و مطالعه پوشش‌های منطقه‌ای بر شکنندگی وضعیت نه صلح نه جنگ حاکم و احتمال تشدید دوباره مناقشه اشاره دارد. مناقشه‌ای که ظرفیت تبدیل شدن به جنگی تمام عیار میان طرف‌های درگیر را دارد. با توجه به مطالب مذکور، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که تشدید مناقشه قره باغ چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای کرملین می‌تواند در پی داشته باشد؟ ایجاد ناامنی در مسیرهای صادراتی انرژی از دریای خزر به سوی بازارهای غربی و استقرار نیروهای روسیه در منطقه قره باغ و در چارچوب نیروهای حافظ صلح را می‌توان مهم‌ترین فرصت پیش روی کرملین دانست. در مقابل احتمال درگیر شدن با ترکیه به‌عنوان متحد جمهوری آذربایجان و تقویت نفوذ غرب در قفقاز در سایه تشدید بحران چالش‌های احتمالی متوجه روسیه خواهند بود.

- زهرانی، فرجی لوحه سرا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "منابع بین‌المللی تداوم بحران قره باغ"، به بررسی عوامل و متغیرهای متعدد در سطوح داخلی و بین‌المللی در شکل‌گیری بحران قره باغ میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان تاثیرگذار می‌پردازد و بیان می‌کند که یکی از عوامل تعیین‌کننده در این موضوع، مداخلات و فشارهای ناشی از منابع بین‌المللی بوده که عوامل و متغیرهای فراسرزمینی و خارجی را شامل می‌شود. به گونه‌ای که بدون شناخت این منابع بین‌المللی، درک و فهم ماهیت اصلی بحران قره باغ دشوار خواهد بود همچنین بیان می‌کند که منابع بین‌المللی دخیل در بحران قره باغ را می‌توان به دو دسته عوامل اصلی و تعیین‌کننده و عوامل مهم و تاثیرگذار تقسیم بندی کرد. به گونه‌ای که رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و

مسائل سیاسی - امنیتی از عوامل اصلی و تعیین کننده بوده و پیوستگی اقتصاد انرژی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و جهانی شدن نیز از عوامل مهم و تأثیر گذار در این بحران بوده‌اند.

- غفاری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "مناقشه قره باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی ریشه‌های تاریخی مناقشه قره باغ و همچنین تأثیر این مناقشه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و معتقد است که ریشه یابی این موضوع از آن جهت مهم و حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران با دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان هم مرز است و به علت وجود جمعیت عظیم آذری زبان و اقلیت ارمنی در داخل ایران، این مناقشه می‌تواند پیامدهای متعارضی را برای جمهوری اسلامی ایران همراه داشته باشد. در این مقاله بیان می‌شود که امنیت ایران به طور مستقیم تحت تأثیر این مناقشه است و موضع ایران نیز حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماسی و مذاکرات مستقیم بین طرفین درگیری بوده است.

نگارنده در پی آن است که ابتدا به تعریفی از مفهوم بحران و سپس به بیان نقش ناتو در بحران قره باغ به عنوان مهمترین قدرت فرامنطقه‌ای بپردازد. و در آخر اهداف ترکیه و عوامل حضور آن در منطقه قفقاز و بحران قره باغ را بیان کنند. همچنین در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی از مدل تصمیم‌گیری به عنوان ابزار تجزیه تحلیل استفاده می‌شود، بنابر آنچه در بالا ذکر شد نویسنده در پی ارائه چارچوب نظری خود به بخش‌های مورد نظر خود می‌پردازد. نوآوری این مقاله است که این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از مدل تصمیم‌گیری نقش ترکیه و ناتو را به عنوان متحد استراتژیک و هم‌جهت ترکیه در بحران قره باغ را بررسی کند.

۳. چهارچوب نظری

الگوی سیاست خارجی (رویکرد تصمیم‌گیری):

تعریف تصمیم‌گیری: تعاریف متعددی برای تصمیم‌گیری ارائه شده است، کارل اندرسون تصمیم‌گیری را این گونه تعریف می‌کند "ساده‌ترین تعریف تصمیم‌گیری

عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان چند راهکار احتمالی که وجود دارد و اتخاذ یک راهکار به معنای پایان روند تصمیم‌گیری نیست بلکه هر تصمیمی با ظهور مسئله و مشکل فرایند خود را آغاز می‌کند و معمولاً تصمیمی که گرفته می‌شود نمایشگر تفاوت بین وضع موجود و رسیدن به وضع دلخواه در آینده است (Anderson Carl, 1988: 130).

در این راستا تئوری تصمیم‌گیری برای یافتن و به کارگیری راه حلی که در هر زمان و مکان بهترین باشد بر اساس مطلوب ذهنی مورد انتظار به انتخاب عقلایی برای رفع مشکل دست می‌زند. امروزه تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه تئوری پردازي و مفهوم سازی در سیاست خارجی می‌باشد. اگرچه ریشه‌های اصلی تئوری تصمیم‌گیری در اقتصاد و علم مدیریت بسط و گسترش یافته‌اند، اما دامنه این تئوری‌ها به مهم‌ترین عرصه تصمیم‌گیری سیاسی، یعنی سیاست خارجی نیز کشیده شده است. به منظور فهم بهتر تئوری تصمیم‌گیری بهتر است ابتدا با تعریف مفاهیم تصمیم و تصمیم‌گیری آشنا شویم. تصمیمات، برون دادهای ساختار سیاسی هستند که از طریق آنها در داخل یک جامعه ارزش‌ها به نحو اقتدار آمیزی توزیع می‌شود. تصمیم‌گیری عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت نداریم (دوئرتی، ۱۳۸۸: ۷۱۹).

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (رهیافت تصمیم‌گیری): ارزیابی رفتار دولت‌ها بر پایه تصمیماتی که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بنابراین روش تصمیم‌گیری یکی از چهارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین الملل مورد توجه قرار می‌گیرد. (قوام، ۱۳۷۰: ۳۹) پس می‌توان گفت که تحلیل گران سیاسی با دو رویکرد سیستمی و رویکرد تصمیم‌گیری به بررسی مسائل می‌پردازند. رویکرد سیاست خارجی (الگوی تصمیم‌گیری) بر عملکرد سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی در جریان بحران تاکید می‌کند و بحران در این الگو، مرحله‌ای از اختلاف می‌باشد که هالستی نشانه‌های بحران را از دید گاه تصمیم‌گیران ۱. احساس عظیم بودن تهدید ۲. محدودیت زمان پاسخ‌گویی ۳. غافلگیری و ۴. احساس ایجاد عواقب مصیبت بار به خاطر اقدام نکردن بیان می‌کند (هالستی، ۱۳۷۳: ۶۱۴).

در این مدل بر جنبه انسانی و روانشناختی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی تاکید می‌شود و نقش فرد در تصمیم‌گیری مورد توجه متخصصان قرار می‌گیرد. قوام

معتقد است تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (رهیافت تصمیم‌گیری) ارزیابی رفتار دولت‌ها بر پایه تصمیماتی که سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند (قوام، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در این راستا برچر نیز بیان می‌کند که در الگوی سیاست خارجی بر حالت ادراکی تصمیم‌گیرندگان در عالی‌ترین سطح، مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی که منشاء خارجی دارند تاکید می‌کند (برچر، ۱۳۸۲: ۵۲).

و از آنجا که وضعیت بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمان و درجه آگاهی با هم متفاوت هستند، هریک از سه عامل تعیین‌کننده بحران (تهدید، زمان، غافگیری) ممکن است در حد غایی شدت و اهمیت و یا در پایین‌ترین حد قرا گیرند و به دسته بندی بحران‌ها اقدام شود (کاظمی، ۱۳۶۶: ۲۴) در اینجا نویسندگان ضمن ارائه تعریفی از بحران به نقش روسیه و ناتو در بحران قره باغ مبنی بر این تئوری به تفضیل می‌پردازد.

۴. مفهوم بحران

یکی از مباحثی که ریشه در روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه واقع شده است مبحثی است که اصطلاحاً با عنوان بحران و مدیریت آن بیان می‌شود. تمامی محققان بر سر اینکه مدیریت بحران به کنترل دقیق مسائل سیاسی توسط نخبگان سطوح بالاتر ارتباط دارند اختلاف نظر دارند اما به نقش این نخبگان به‌عنوان عامل اصلی در کنترل بحران‌ها توجه می‌شود. واژه بحران نه فقط در قلمرو سیاست بلکه در علوم انسانی و اجتماعی و حتی علوم طبیعی و پایه نیز به‌فروانی به کار می‌رود. هر روز کاربرد آن را با عناوینی چون آلودگی هوا، بحران اعتصاب کارگران، بحران سوخت و انرژی، بحران مالی، بحران مواد غذایی و... می‌بینیم و بحران در این موارد مفهومی خاص است که بر مصداق‌های عمومی اطلاق می‌شود و در این کاربردها بحران به معنای متفاوتی مانند تهدید، مناقشه اختلاف، کمبود و... به کار می‌رود.

در علوم سیاسی بحران یکی از پر استعمال‌ترین الفاظ می‌باشد و وقتی این واژه توسط دولت‌مردان به کار می‌رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم‌گیری آن‌ها و فشارهای ناشی از آن بر دولت‌مردان به کار می‌رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم‌گیری آن‌ها و فشارهای ناشی از آن بر دولت‌مردان می‌باشد. اما در متون و نظریات روابط بین‌الملل نیز بحران هم در سطح خرد (روابط بین‌کشورها) و هم در

سطح کلان (بحران‌هایی نظام بین‌الملل و کل جامعه جهانی را درگیر می‌سازد) کاربرد دارد. و مفاهیمی چون تهدید، جنگ، فروپاشی، سقوط و... را در بر می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳). بنابراین گستردگی و تنوع زیاد بحران باعث می‌شود که نتوان تعریف کامل و همه‌جانبه از بحران ارائه داد و از آنجا که بحران یک مفهوم تعریفی و باز تعریفی است نه شناختی پس نسبی می‌باشد و نمی‌توان تعریف کلی و مطلق از آن ارائه داد برچر برای تحلیل بحران به نقش بازیگران و تأثیر پذیری بحران از ساختار نظام و یا مداخله نیروهای دیگر در بحران می‌پردازد (برچر، ۱۳۸۲: ۵۲) که در این جا اتخاذ واژه بحران برای ناگورنو - قره باغ به نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و شیوه مدیریت آنها با استفاده از مدل تصمیم‌گیری می‌پردازیم. که در بحث مدیریت بحران با بروز حادثه و اتفاقات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی با سه معیار زمان، غافلگیری و تهدید روبه‌رواند و با وجود جو متفاوت با استفاده از ابزار و تاکتیک‌های مناسب در راستای به دست آوردن نتایج منطقی تصمیم بگیرند.

۵. منطقه قفقاز

منطقه قفقاز منطقه کوهستانی در جنوب روسیه و در شمال ایران می‌باشد که از غرب به دریای سیاه، از جنوب غربی به ترکیه و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. این منطقه شامل سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد. از آنجا که مطالعه سیاست خارجی برای پیوند اثر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بر روابط یکدیگر کمک می‌کند و ما اینجا به سیاست خارجی ترکیه و ناتو در قالب همکاری مشترک در منطقه قفقاز و بحران قره باغ می‌پردازیم. قبل از پرداختن به نقش ترکیه و ناتو در بحران قره باغ به بیان زمینه‌های بروز بحران قره باغ می‌پردازیم.

۶. عوامل شکل‌گیری بحران قره باغ

مناقشه قره باغ یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در شوروی محسوب می‌شود که از پیچیدگی درونی وسیعی برخوردار است و از جمله بحران‌هایی است که تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک، فرهنگ، مذهبی، تاریخی و بحران داشت عوامل ژئوپلیتیک که عبارتند از:

وجود مرزهای محذب، موقعیت جغرافیایی، وجود منطقه قومی - نژادی، شبکه آب‌ها، فقدان مشروعیت و مخدوش بودن مرزها و عوامل فرهنگی، تاریخی و سیاسی هم عبارتند از ذهنیت منفی تاریخی ارامنه، رویکرد منطقه‌ای متضاد آذری‌ها و ارامن، اعمال سیاست تبعیض علیه یکدیگر، سیاست ملیت‌های شوروی در قبال قومیتها و رقابت قدرت‌های مداخله گر می باشد که نمونه‌هایی از موارد بالا را در زیر به تشریح بیان می‌کنیم.

۷. مرزهای محذب

مرزهای کشورهای آذربایجان به سمت جمهوری ارمنستان دارای یک پیش رفتگی و انحنا است که در مقیاس کلی می‌توان نگهداری از چنین مرزهایی نسبت به مرزهای صاف و بدون پیش رفتگی یا تورفتگی کمتر می‌باشد بنابراین این تحدب مرز آذربایجان باعث ایجاد یک ضعف استراتژیک در حفاظت از مرزهایش شده است مرزهای دو کشور در این منطقه از بدترین نوع مرزهای سیاسی بین کشورهاست که عمدتاً کوهستانی و دارای بریدگی فراوان، محذب و فرورفتگی بسیار است این عامل ثابت ژئوپلتیکی سبب درگیری طولانی بین این دو جمهوری است (بیات، ۱۳۷۱: ۱۲۵) و این مساله همواره نگرانی برای تصمیم گیران سیاسی آذربایجان داشته است.

۸. وجود منطقه قومی - نژادی

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که قرن ۲۱ همانند قرن گذشته عرصه تعارضات و تنازعات قومی خواهد بود و احتمالاً در آینده بحران‌های قومی و هویتی گسترش خواهند یافت و نظام بین الملل با منازعات و تحولات سیاسی - امنیتی بیشتری روبه رو خواهند شد که منطقه قفقاز با دارا بودن حدود ۵۰ گروه قومی - فرقه‌ای با تمایزهای فراوان و مذاهب مختلف پتانسیل بسیار زیادی برای بروز مناقشات و بحران‌های قومی را دارد (واعظی، ۱۳۸۲: ۱۵)

۹. شبکه آبها

از جمله عوامل طبیعی دیگر شبکه آبها می‌باشد که در طی تاریخ دارای نقش‌های گوناگون بوده است تا قبل از جنگ جهانی دوم شبکه آبها دارای نقش بازدارنده بودند اما در اثر پیشرفت تکنولوژی، امروزه رودخانه‌ها نقش بسیار متفاوت و بسیار مهمتری ایفا می‌کنند و اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی پیدا کرده‌اند غالباً در همه عریضه‌هایی که آرامنه برای حکومت مرکزی ارسال می‌کردند از اینکه قره باغی‌ها خود از شبکه آب‌های قره باغ منتفع نمی‌شوند شکایت داشتند همچنین رودخانه‌هایی که در آذربایجان وجود دارند از کوه‌های قره باغ می‌گذرد و باعث می‌شود که به دست گرفتن کنترل اوضاع قره باغ مهم و دارای اهمیت شود (کرمی، ۱۳۷۴: ۴۷۶) که در این مقاله به ذکر همین چند مورد بسنده می‌شود چراکه بیان سایر موارد خود نیاز به مقاله‌ای دیگر دارد.

از آنجا که در منطقه قفقاز به ویژه در بحران قره باغ بازیگران متعدد و متنوعی به ایفای نقش می‌پردازند علاوه بر سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان سه بازیگر منطقه‌ای یعنی ایران، روسیه با ترکیه و بازیگران فرامنطقه‌ای و غرب (در قالب ناتو) و تعدادی بازیگران بین‌المللی چون سازمان ملل متحد، حضور فعال دارند. دلیل حضور بازیگران بین‌المللی وجود بحران‌های قومی - نژادی فراوان در منطقه به خصوص بحران قره باغ می‌باشد که در این قسمت ابتدا به نقش غرب و ناتو به عنوان مهمترین بازیگر بیرونی فرامنطقه‌ای این منازعه پرداخته می‌شود سپس نقش و موضع‌گیری ترکیه در منازعه قره باغ بیان می‌شود و چگونگی حضور آنها در منطقه و مدیریت بحران را بیان می‌کنیم (مرادی، ۱۳۸۵: ۵۸).

۱۰. پیمان آتلانتیک شمالی

این پیمان براساس تئوری‌های کلاسیک روابط بین‌الملل، اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد توازن، بازدارندگی و یا حمله به یک بازیگر ثالث تشکیل شده است. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو بر اساس چنین اصلی تشکیل شده است (اطباری، ۱۳۸۴: ۳۳) این سازمان بعد از جنگ جهانی دوم بنا به ضرورت زمانی و مکانی به وجود آمد از جمله اهداف این سازمان جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه به حوزه منافع خود بود در این راستا ناتو به دنبال تأمین حضور نظامی غرب در تمام جهان می‌باشد و در این راستا به

گسترش تمدن و نفوذ غرب در جهان می‌پردازد. رهبران ناتو با طراحی و اجرای برنامه مشارکت برای صلح سعی می‌کنند بر دغدغ‌های امنیتی کشورهای منطقه قفقاز پاسخ دهند و در مدیری بحران‌های آنها دخالت (شفیعی، ۱۳۸۶: ۱۳۱) و به عرض اندام بپردازند و منافع استراتژیک خود را در منطقه تأمین کنند. همچنین مساله تروریسم و تکثیر کشتار جمعی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر از جمله اهداف دیگر ناتو برای از بین بردن آنها می‌باشد که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر این دو موضوع در دستور کار جدی این سازمان قرار گرفته است و در راستای مدیریت بحران و از بین بردن منازعه‌ها در راستای عمل به طرح صلح وارد منطقه قفقاز می‌شود و بعد از فروپاشی شوروی برای مدیریت بحران‌های منطقه بر گسترش فرهنگ دموکراسی تأکید می‌کند (زارعی، ۱۳۸۵: ۲۸۴) ناتو نه تنها خود را یک بلوک نظامی بلکه مروج فرهنگی یک مکتب فکری- فلسفی به نام غرب می‌داند و در پی گسترش ارزش‌های دموکراتیک با تفسیر غربی می‌باشد.

۱.۱. ناتو در منطقه قفقاز و بحران قره باغ

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و بر چیده شدن نظام دوقطبی و به دنبال آن خارج شدن قفقاز از بایگانی مناطق استراتژیک جهان، تغییرات فضایی و امنیتی جدیدی با ظهور کشورهای جدید التاسیس از یک سو و تلاش برای پر کردن خلاء ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای از دیگر سو، منطقه را با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای روبه‌رو کرده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۷) که تعارضات قومی- نژادی از جمله مهمترین این مسائل در قفقاز می‌باشد قفقاز به دلیل دارا بودن اقوام و مذاهب مختلف زمینه مناسبی برای درگیری دارد این تداخل و تعارضات قومیتی از زمان روسیه تزاری ایجاد شد. و این منطقه مدام در تعارض به سر می‌برد که از جمله عینی‌ترین این تعارضات، درگیری قومی و مناقشه قره باغ و آبخازیا می‌باشد و ناتو در رقابت خود با روسیه اهمیت منطقه قفقاز را در نظریه‌های سیاست خارجی دو طرف نشان می‌دهد.

ناتو برای مقابله با روسیه و کاهش نفوذ آن در منطقه و برای پر کردن خلاء قدرت به وجود آمده در منطقه طرح که توسعه خود را بیان می‌کند که هدف خود را گسترش نفوذ در قفقاز جنوبی بیان می‌کند و برنامه مشارکت برای صلح را پیگیری می‌کند و این برنامه مشارکت برای صلح ابزار اصلی ناتو برای تعمیق همکاری نظامی خود با دولت‌های

قفقاز جنوبی می‌باشد که با آموزش نظامی و روند حرفه‌ای ارتش دولت‌های قفقاز کمک می‌کرد (رحمانی، ۱۳۷۷: ۴). در وضعیت حاضر مهمترین ویژگی این منطقه حائل بودن آن است، دولت‌های قفقاز از این که منطقه حائل باشند بیشتر منتفع می‌شوند چراکه هریک از کشورهای هم مرز با قفقاز به نحوی آن را جزء خود می‌دانند ترکیه آن را حلقه اتصال به دنیای ترک می‌داند و غرب از دهه ۹۰ به بعد این منطقه را جزء مناطق استراتژیک خود قرار داده است (فرنر، ۱۳۷۹: ۳۳).

۱۲. منافع غرب و ناتو در قفقاز

از جمله اهداف اقتصادی ناتو در منطقه قفقاز، شکل‌گیری بازار آزاد در منطقه می‌باشد و بازار مصرفی برای غرب بگشاید و این موجب وابستگی فنی و تکنولوژیک در منطقه به نفع غرب ایجاد می‌کند و موجبات مداخله و نفوذ غرب را در منطقه بیشتر می‌کند و نمونه آن را در استخراج مواد خام، تولید محصولات کشاورزی در منطقه قفقاز مشاهده کرد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۸۱). از طرف دیگر قفقاز علاوه بر دارا بودن انرژی به عنوان یک مسیر ترانزیتی انرژی مطرح می‌باشد و غرب از این مسیر ترانزیتی برای انتقال انرژی و تسلط بر نفت و گاز را به سود خود بهره می‌گیرد (عسکری، ۱۳۸۴: ۱۴) همچنین از نظر فرهنگ نیز ترویج فرهنگ غرب را داریم که غرب بر گسترش اندیشه دموکراسی خود تاکید می‌کند و در جوامع در حال گذار قفقاز بر مدرنیزاسیون فرهنگی تاکید می‌کند و هر قدرتی که بتواند بهتر از دیگران افکار را کنترل و هدایت کند می‌تواند با قبولاندن جهان بینی خود، رهبری فرهنگی و هدایت رفتارها را به دست می‌آورد و با تحکیم سلطه هژمونیک، رفتار خارجی خود را حقانیت بخشد. کسب حقانیت در رهبری هژمونیک آن چنان مهم است که کارایی زور و قدرت اقتصادی را تحت شعاع قرار می‌دهد (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۲۰).

۱۳. ترکیه در منطقه قفقاز

اصلی‌ترین ابعاد سیاست خارجی ترکیه آمیزه شده است که در پیوند با منافع غرب در قالب ناتو از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد (چوبین، ۱۳۸۱: ۱۰۵) ترکیه در این منطقه در قالب اندیشه‌های پان ترک گرایانه و با برانگیختن مردم می‌خواهد بر ژئو استراتژی چیره شود و

آن را خنثی کند هدف ترکیه رفتن به سمت شرق و گشودن درهای ژئوپلتیک خود به سمت منطقه قفقاز در قالب تشکیل بلوک فرهنگی ترکی می‌باشد (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۶۹). هم‌چنین ترکیه در این راستای در پی علاقه دفاعی که دارد در قالب عضویت ناتو و هم‌سو شدن با غرب در مقابل روسیه در منطقه قفقاز به ایفای نقش می‌پردازد (امیر احمدیان، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

۱۴. نقش ترکیه در بحران قره باغ

بازیگر منطقه‌ای دیگری که در بحران قره باغ به دلیل مجاورت جغرافیایی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و وحدتی که با آذربایجان دارد به عنوان بازیگر عمده در منطقه و در بحران قره باغ محسوب می‌شود (Aydin, 2010: 10) بر اساس همین سیاست ترکیه سیاستی ضد ارمنی را اتخاذ می‌کند و با قطع رابطه با ارمنستان و قطعه عبور مرور و خط راه آهن و ... عکس‌العمل خود را در برابر ارمنستان و بحران قره باغ به نمایش گذاشت (Hurc, Yakup, 2008: 18) و از آنجا که ترکیه خود را به لحاظ تاریخی در منطقه ذینفع می‌داند و به نقش‌آفرینی منحصر به فرد خود در این منطقه معتقد می‌باشد اهداف و علایق ترکیه بر محور مسائل اقتصادی و انرژی می‌چرخد و این کشور از دیر باز برای بهره‌مندی از منابع انرژی منطقه قفقاز، اکتشافات و استخراج آنها و تعیین خطوط انتقال انرژی به خارج از منطقه تمایل بسیاری داشته و هم‌چنین ترکیه در پی نفوذ اقتصادی در منطقه به منظور افزایش درآمدهای خود می‌باشد و اهداف و انگیزه‌های نظامی - امنیتی و ایدئولوژیکی یا همان ترویج پان ترکیسم در درجات بعدی اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز می‌باشد (فروزان، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

تقدم و تاخیر اهمیت اهداف ترکیه در بحران قره باغ تحت تأثیر ترکیب تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور می‌باشد و موقعی که ترکیه احساس خطر کند از نظر امنیتی (مثلاً زمان شدت گیری بحران قره باغ) این اهداف امنیتی در قفقاز در اولویت قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های خاصی نسبت به بحران اتخاذ می‌کند.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه از سیاستی غرب‌گرا و تک‌بعدی، به سیاستی چندجانبه‌گرا و چند بعدی تبدیل شده که به دنبال امتیازگیری می‌باشد. نظریه‌پرداز و معمار این رویکرد احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه

دولت اردوغان و استاد دانشگاه است که در سال ۲۰۰۱ در کتاب «عمق راهبردی» طراحی کرده بود. این کتاب که در واقع، بیانیه حزب حاکم در عرصه سیاست خارجی است که بر مبنای چند نظریه تألیف شده است:

الف) مبنای قدرت ترکیه، تاریخ و جغرافیای این کشور است. به عبارت دیگر، اگر ترکیه در قرن بیست و یکم قصد دارد قدرت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را افزایش دهد، باید به تاریخ و جغرافیای خود به عنوان منبع قدرت و نقطه شروع حرکت خود نگاه کند. در واقع، نظریه عمق راهبردی، راهنمای استفاده از این منابع قدرت و به فعلیت درآوردن آن‌ها در چارچوبی منطقی است.

ب) نظریه عمق راهبردی بر خود اتکایی، اعتماد به نفس و خودداری از قرار گرفتن زیر چتر دیگر کشورها و رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای تأکید دارد

ج) ترک‌ها از لحاظ ریشه‌های تاریخی بیشتر آسیایی به‌شمار می‌روند و هنوز پیوندهای زیادی با چند کشور این منطقه در آسیای مرکزی دارند و بر پایه این نظریه در کنار نگاه غرب گرایانه ای که دارند به منطقه آسیا نیز توجه دارند.

د) یکی از نکات مورد توجه در نظریه عمق راهبردی، به حداقل رساندن با به عبارت بهتر، به صفر رساندن مشکلات ترکیه با همسایگان است. به همین دلیل، ترکیه به بحران‌های محیط پیرامون به چشم فرصت - نه تهدید - می‌نگرد. بر همین مبنای بحران‌های محیط پیرامون فرصت‌هایی هستند که دولت ترکیه می‌تواند از آن‌ها نهایت بهره‌برداری را داشته باشد (فلاح، ۱۳۹۱: ۲). با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که اهداف مد نظر سیاست خارجی ترکیه در بحران قره باغ بر مبنای امتیاز گیری می‌باشد

- اهداف ترکیه در قفقاز:

هر چند ترکیه با آذربایجان ارتباط نزدیکی دارد و تلاش می‌کند در حل مناقشه و برقراری طرح آتش‌بس مسکو پشت میز مذاکره حضور داشته باشد، اما علاقه آنکارا بیش از این‌که جنبه برادرانه و حس هم‌نژادی داشته باشد، دارای ماهیت سیاسی-اقتصادی است. آذربایجان برای امنیت انرژی ترکیه بسیار اهمیت دارد و در اقتصاد بیمار ترکیه به عنوان منبع اصلی انرژی محسوب می‌شود. واردات گاز ترکیه از آذربایجان در نیمه اول سال ۲۰۲۰، ۲۳ درصد افزایش یافت. سوکار، شرکت دولتی نفت آذربایجان به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ترکیه تبدیل شده است. ر حوزه سیاسی نیز با توجه به اینکه ترکیه قصد دارد به

یک قدرت منطقه‌ای بانفوذ در قفقاز جنوبی تبدیل شود، نیازمند حرکت از شرایط بالقوه سیاسی - نظامی به بالفعل در مناقشه قره‌باغ بوده و از این رو خواهان مشارکت بیش‌تر در حل و فصل سیاسی آینده قره‌باغ است.

تاکید بر اهمیت نقش ترکیه در منطقه قفقاز به منظور ادغام کامل در جامعه اروپایی و غرب (کرمی، ۱۳۷۸: ۱۳) حمایت از استقلال و تمامیت ارضی آذربایجان در قره‌باغ و کاهش نفوذ روسیه در قفقاز برای کم شدن فشار روس‌ها بر آذربایجان می‌باشد (کولایی، ۱۳۷۸: ۱۴۵) از آنجا که ترکیه با ارمنستان به دلیل سبقه تاریخی دشمنی دارد (دهه ۱۹۹۰ تبعید و کشتار ارمنیان مقیم آناتولی ریشه این دشمنی می‌باشد) جهت‌گیری ترکیه و سیاست‌گذارانش در کنار آذربایجان را بیشتر نمایان می‌کند و ترکیه در راستای رسیدن به اهداف خود و بهره‌مندی از نفت آذربایجان و کشف و استخراج آن در بحران دخالت می‌کند شاید بتوان ادعا کرد که اختلاف ارمنستان و ترکیه مهمترین عامل مؤثر در جهت‌گیری سیاست خارجی در قبال بحران قره‌باغ می‌باشد و (3) افزایش نفوذ ترکیه در آذربایجان به تدریج شرایط ژئوپلیتیکی و سلطه طولانی مدت روسیه در منطقه را تضعیف خواهد کرد. که با افزایش ارتباط زمینی ترکیه و آذربایجان و دفاع از این کشور در برابر ارمنستان، کمک به حاکمیت آذربایجان در منطقه ناگورنو - قره‌باغ روبه‌رو می‌شویم. به طور کلی در مورد نقش ترکیه در بحران قره‌باغ می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

الف. ترکیه مبنای سیاست خارجی خود را کمالیسم و عدم مداخله در امور خارجی قرار داده است.

ب. فشار نیروهای غربی من جمله ناتو برای جلوگیری از دخالت ترکیه در بحران قره‌باغ، چراکه نیروهای غربی از این امر واهمه دارند که هرگونه دخالت ترکیه در این مساله منجر به تشدید منازعه و قرار گرفتن روسیه و ترکیه در برابر یکدیگر خواهد شد

ج. از طرفی دیگر ترکیه به دلیل ارتباطی که با فدراسیون روسیه دارد تمایلی به تیره کردن رابطه‌اش از طریق دخالت بی‌حد و حصر در بحران قره‌باغ ندارد. (Ibid:66)

حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان علاوه بر اشتراکات فرهنگی، زبانی و دینی، دلایل دیگری هم دارد:

۱. تلاش ترکیه برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز: جمهوری آذربایجان تنها کشور تا حدودی هم زبان با این کشور در منطقه است،
۲. تلاش ترکیه برای تضعیف هرچه بیشتر ارمنستان: ترکیه در مقابل ارمنستان با دو چالش عمده روبروست: نسل کشی ارمنی‌ها توسط ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ و ادعای ارضی ارمنی‌ها بر حدود یک سوم از خاک کشور ترکیه،
۳. دسترسی به منابع عظیم انرژی آذربایجان اعم از نفت و گاز: ترکیه برای تأمین انرژی مورد نیاز خود تحقق رویای دیرینه‌اش یعنی تبدیل شدن به یک هاب انرژی منطقه‌ای به این انرژی نیاز دارد. منطقه تووز جمهوری آذربایجان محل عبور خطوط لوله نفت و گاز باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و نیز راه آهن باکو-تفلیس-قارص است. خط لوله جنوبی قفقاز جنوبی که با اتصال به دو خط لوله تاپ و تاناب، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه را به مسیر اصلی کریدور جنوبی انتقال انرژی جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا تبدیل کرده است، از اهمیت بسیار بالایی برای ترکیه برخوردار است.
۴. رقابت با روسیه: در سال‌های اخیر ترکیه با دخالت در جنگ‌های سوریه و لیبی به واسطه حمایت از گروه‌های تروریستی و تجاوز مستقیم به خاک سوریه، بطور نسبی در مقابل روسیه، قرار گرفته و موضوع رقابت این دو کشور در قفقاز هم مطرح است
۵. تلاش برای ارتقاء جایگاه خود در منطقه قفقاز: ترکیه به دنبال ارتقاء جایگاه خود در منطقه قفقاز است. ترکیه تلاش می‌کند خود را در قد و قامت کشوری نشان دهد که نه تنها در عراق، سوریه، شرق مدیترانه و بخشی از آفریقا، بلکه در آسیای میانه و قفقاز نیز، حرف‌هایی برای گفتن دارد.
۶. ایجاد اتحاد بین نیروهای ملی گرا (احزاب لائیک) و دینی (احزاب اسلام گرا) در ترکیه؛ حمایت از جمهوری آذربایجان در رویارویی نظامی با ارمنستان، می‌تواند: الف) بخش مهمی از شکاف بین دولت اسلام گرای اردوغان با جریان‌های ملی گرا و لائیک ترکیه را برطرف نماید، ب) سابقه قبلی رهبران حزب عدالت و توسعه در عادی‌سازی مناسبات با ارمنستان را به فراموشی بسپارد و ج) دولت ترکیه را همچنان متعهد و وفادار به آرمان‌های ملی گرایانه آتاتورک نشان دهد. اگر یک نگاه کلی به دوران قدرت حزب عدالت و توسعه در ترکیه ببیند، این موضوع تقریباً تنها موضع در

سیاست خارجی این کشور است که تمامی طیف‌ها در آن اتفاق نظر دارند و از آن حمایت می‌کنند. با یک جستجوی ساده در سایت‌های ترک، آذری و انگلیسی زبان می‌توان دید که تعداد موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها، توییت‌ها و خبرهای مربوط به بیان دیدگاه مقامات و سیاست‌مداران ترکیه در مورد ارمنستان و قره باغ، به مراتب بیش‌تر از تعداد مواضع مسئولین خود جمهوری آذربایجان است (2)www.isna.1399:

۱۵. نتیجه‌گیری

ترکیه یکی از مهمترین بازیگران منطقه‌ای است که همواره نقش قابل توجهی در معادلات قفقاز جنوبی داشته است. تشدید اختلافات سرزمینی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در اوایل دهه ۹۰ از جمله تحولات مهم منطقه‌ای بود که آنکارا را بیش از پیش به مسائل قفقاز علاقمند کرده است و همانطور که بیان شد در سیاست خارجی برای تصمیم‌گیری عقلایی و منطقی ابتدا به شناسایی مسئله پرداخته می‌شود و سپس بعد از تعریف و تعیین هدف‌های سیاست خارجی، سیاست‌گذاران به تصمیم‌گیری و ارائه راه حل و اجرای تصمیم می‌پردازند که اگر این مفهوم را در مورد تأثیر تصمیم‌گذاران سیاست خارجی ترکیه و ناتو در مورد بحران قره باغ و در راستای پاسخ به سؤال اصلی مقاله که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ به این مهم می‌رسیم که بعد از پایان یافتن جنگ سرد بسیاری از هویت‌های قومی - محلی در منطقه قفقاز رشد کردند و باعث شکل‌گیری منازعاتی در این منطقه شدند پس سیاست‌گذاران ناتو و ترکیه در راستای رسیدن به اهداف خود و با ارزیابی اهداف و منافع خود و با مواضع یکسان (مقابله با نفوذ روسیه) در این منازعه جهت‌گیری کرده‌اند.

پایان یافتن رقابت ایدئولوژیک، اهمیت ژئوپلتیک و تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست بیش‌تر شد و ترکیه در آسیای مرکزی - قفقاز نقش فعال دارد و با شورش‌ها و بحران‌های این منطقه روبه‌رو می‌شود تلاش می‌کند برای برخورد با بحران‌ها از قدرت و چانه‌زنی غرب بهره‌گیرد و بر همین مبنا در راستای بیان تعامل ناتو و ترکیه می‌توان گفت که این دو قدرت با هم پوشانی منافع خود در راستای ممانعت از تسلط مجدد روسیه بر منطقه، جلوگیری از نفوذ روسیه در منطقه و برعهده گرفتن مدیریت مسائل منطقه، گسترش دموکراسی، دستیابی به انرژی منطقه و تسلط بر انتقال آن را به طور مشترک دنبال می‌کنند.

از آنجا که ترکیه از امتیازاتی چون قرابت قومی - فرهنگی برخوردار است و از آنجا که غرب و ناتو به دنبال گسترش الگوی دموکراسی ترکیه در منطقه قفقاز می‌باشد هم جهت و هم سو در بحران قره باغ مداخله می‌کند و جهت گیری مقابل روسیه را اتخاذ می‌کند و در این راستا برای اینکه بتواند حضور بلند مدت خود در منطقه را تثبیت کند. مبنی بر دیپلماسی ارزشی ترکیه در منطقه و بحران‌ها دخالت می‌کند یعنی در راستای اهداف خود و حفظ موقعیت کشور خود بود.

از جهتی ترکیه که نیاز به تهدات نظامی در برابر روسیه و سیاست‌های ان در منطقه داشت به عنوان عضو ناتو در مقابل روسیه در منطقه موضع گیری می‌کرد که در بحران قره باغ می‌بینیم در جهت مخالف روسیه و در راستای اهداف خود طرف آذربایجان را می‌گیرد.

هم‌چنین ترکیه نیز در پی نفوذ اقتصادی در منطقه به منظور افزایش درآمدهای خود می‌باشد و اهداف و انگیزه‌های نظامی - امنیتی و ایدئولوژیکی یا همان ترویج پان ترکیسم در درجات بعدی اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز می‌باشد. به طور کلی با این‌که منازعه قره باغ بی ثباتی در منطقه به وجود آورده، با این حال موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه قفقاز موجب باقی ماندن منازعه و بحران به شکل لاینحل شده است.

آذربایجان مورد حمایت ترکیه و غرب، ارمنستان مورد حمایت روسیه می‌باشد که تلاش هردو طرف افزایش درک تهدید از طرف دیگری است که موجب می‌شود راه‌کار صلحی ارائه نشود می‌توان گفت همانطور که ریشه این بحران به درک تهدید استالین از هویت مشترک قومیت‌ها و جدا کردن این ملیتها و همچنین جبهه گیری ترکیه در مقابل ارمنی‌ها و درک تهدیدی که از یکدیگر داشتند زمینه‌های این بحران بر می‌گردد هم اکنون نیز با تصمیم گیری سیاست گذاران خارجی و درکی که از منافع خود و موردتهدید قرارگرفتن آنها در منطقه قفقاز دارند تداوم بحران را مشاهده می‌کنیم.

با موضع گیری‌های اخیر مقامات ترکیه حمایت این کشور از جمهوری آذربایجان بر کسی پوشیده نیست، اما آنچه روشن است ترکیه در بالا گرفتن تنش اخیر میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان نقش کلیدی داشته و در حقیقت با دخالت‌های این کشور بوده که بحران قره‌باغ دوباره بالا گرفته است. موضوع مناقشه ارمنستان و آذربایجان برسر قره‌باغ موضوعی است که برافروختن آتش این خاکستر کهنه از سوی هر طرف که

صورت گرفته باشد، به نفع هیچ یک از کشورهای منطقه نخواهد بود. ترکیه به دنبال تقویت و حفاظت از کریدور شرقی- غربی انرژی در مقابل کریدور شمال- جنوب است. علاوه بر آن ترکیه در فروش تسلیحات و اجاره دادن مزدور برخی اهداف اقتصادی را هم دنبال می‌کند. ترکیه می‌خواهد خودش را به عنوان ناجی آذربایجان معرفی کند تا در آینده نقش بیش‌تری در این کشور داشته باشد.

کتاب‌نامه

- امیری، مهدی (۱۳۸۳)، نگاه ویژه ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و نگرانی‌های روسیه، فصلنامه گزیده تحولات جهان، شماره ۲۷.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- اطباری، امیرحسین (۱۳۸۴)، مأموریت‌های نوین ناتو در آفریقا، گزیده تحولات جهان، فصلنامه ابرار معاصر، شماره ۲۳.
- فشردی، محمد حسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی ایران، تهران، سپاه پاسداران، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸)، روند تحولات در بحران قره باغ، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- برچر، مایکل و جانات ویلکنفلند (۱۳۸۲)، بحران، تعارض و بی‌ثباتی، ترجمه علی صبحدل. تهران. یات، کاوه (۱۳۷۱)، "درگیری‌های مرزی آذربایجان و ارمنستان"، مجله نگاه نو، شماره ۱۱.
- تویسسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، تحلیلی بر ابعاد سطوح مداخله در بحران قره باغ، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- چوبین، بهرام (۱۳۸۱)، جامعه و سیاست خارجی ترکیه در دوران پر آشوب، رحمان قهرمان‌پور، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴.
- خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، روسیه و مناقشه قره باغ، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۲، تابستان.
- زهرانی، مصطفی، فرجی لوحه سرا، تیمور (۱۳۹۲)، منابع بین‌المللی تداوم بحران قره باغ، فصلنامه علمی آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۹، شماره ۱۸۳، پاییز.
- زارعی، قاسم (۱۳۸۵)، "کند و کاوی در انقلاب هایس رنگین"، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۶.

بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه ... (قاسم رضایی و خدیجه ثنائیانزاده) ۷۳

- رحمانی، منصور (۱۳۷۷)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و تحولات آن بعد از جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، ویژه اروپا (۲)، سال ۱۳.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شده: مناسبات و کارآمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۶)، رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم.
- عسگری، حسن (۱۳۸۴)، نقش بازیگران خارجی در انقلاب‌های رنگین: مورد انقلاب گرجستن، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۱.
- عباس اف و هارویتون چاخاطریان (۱۳۸۳)، مناقشه قره باغ آرمان هاو واقعیت‌ها، ترجمه و نشر از موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸)، نگرش جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۱۹.
- غفاری، امید، ویسی نژاد، امید علی، تقی پور، محمد (۱۳۹۱)، مناقشه قره باغ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت پژوهی، شماره ۱۱، دوره پاییز.
- فلاحی، علی (۱۳۸۵)، مفهوم نوین استراتژیک و مأموریت‌های ناتو در قرن بیست و یکم، مجله سیاست خارجی، شماره ۷۵.
- فرنر، اسکات (۱۳۷۹)، منافع استراتژیک ترکیه در قفقاز جنوبی، سید سعادت حسینی زمانی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۰-۲۹.
- فروزان، ایرج (۱۳۸۲)، "بررسی و تبیین اهداف توسعه همکاری ایران با کشورهای قفقاز جنوبی" فصلنامه مطالعاتی دفاعی استراتژیک، شماره ۱۷.
- فلاح، رحمت الله (۱۳۹۱): اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه، بصیرت، در <http://www.khabaryaab.com/News/630050>
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ اول، تهران: سمت.
- کرمی، تقی (۱۳۷۴)، "عوامل منطقه‌ای تطویل کشمکش بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان" فصلنامه خاورمیانه، شماره ۵.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۸)، "بازی بزرگ جدید در قفقاز و پیامدهای آن بر آینده ایران"، مجله سیاست دفاعی، سال هشتم، شماره ۱۲.
- کولایی، الهه (۱۳۷۸)، "ایران، ارمنستان و روسیه: عوامل توسعه روابط" فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۶.

- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: ابرار معاصر.
- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، چشم‌انداز همکاری ایران و اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- واعظی، محمود (۱۳۸۲)، "مناقشه قره‌باغ میراثی از چالش‌های قومی شوروی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، ژئوپولیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هاشمی، غلام‌رضا (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۸۵.
- هالستی، کی. جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

Axundov, Fuad (2008) 'co_chairs Agaunst Azerbaigan, the UN General Assembly Against co_chairs", regionplus, no.7. p.51.

Aydin, Mustafa (2010). " Turkey's Caacasuspdicy", Turkish foreignpolicy, UNISCI Discussion papers, No.23.p.10

37. (hurc, 2008: 18) –Hurc, Yakup (2008)," The Karabag Policy of Turkey, Turkish Dress of the time, Department of History Institute of Social Science. Univesity of Kahramanmaras Sutsu Imam. P.18.

Anderson Carl. R (1988). Management: skils, functions, and oryganizatim performance, Allyn. & Bacon. Inc, 2nd ed.

<https://www.isna.ir/news/99072317187/%D8%AD%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%AA>.